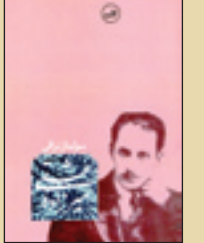


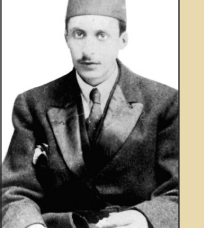
روزنامه‌های ایران

در حاشیه انتشار زندگینامه «میرزاده عشقی»
من، آن نیم
که به مرگ طبیعی شوم هلاک

■ **سولماز نراقی**



از نزدیک‌ترین چهره ادبی معاصر به نیما یوشیج است و این پرسشش که گام اول در تحول شعر فارسی را نیما یا «فانسه» با عشقی یا «سه تابلو مریم» برداشت هنوز بی‌پاسخ مانده‌است. از سوی دیگر عشقی صاحب بیانیه موحش «عیدخون» است که آن را همچون درمان فوری مشکلات بشر به جامعه و چه بسا جهان روزگار خود ارائه داده‌است. بیانیه‌ای که قبل از هر چیز موجب تخیل شاعری سرخورده و حساس را نشان می‌دهد. هر یک از این مشخصات به‌تنهایی کافی است تا نقد اندیشه نخستین شهید روشنفکر نظام پهلوی را بر پایه آثارش استوار سازیم. به همین دلیل هر یک از فصل‌های کتاب حاضر به نام یکی از آثار عشقی نامیده شده‌است که طی تنها یک دهه حضور او در عرصه ادبیات و سیاست ـ از ۲۰ تا ۳۰ سالگی ـ خلق شده‌اند. این کتاب می‌کوشد به موازات تحلیل آثار آثار میرزاده عشقی تصویر نسبتاً جامعی از زندگی و شرایط اجتماعی روزگار او را برای خواننده ناآشنا با این چهره ادبی نشان دهد. بنابراین فصل نخست به بحثی در شرایط سیاسی و اجتماعی ایران پس از انقلاب مشروطه اختصاص دارد. در این فصل عشقی نوجوان ۱۴ ساله‌ای است که همگام با تحولات سیاسی و اجتماعی آن روز به ۲۰ سالگی می‌رسد. فصل دوم مرحله نونی را در زندگانی شاعر از مهاجرت وی به کرمانشاه تا سفر به استانبول در فاصله ۲۰ تا ۲۲ سالگی روایت می‌کند. «چکامه جنگ» نام نخستین اثر جدی شاعر است که در این هنگامه سرود. در فصل سوم عشقی مقارن با امانی از فراداد ۱۹۱۹ میان دولت وثوق‌الوله و انگلیس به ایران باز می‌گردد. او که معاهده باطل محرز فروش ایران به انگلستان می‌داند، «نام عشق وطن» قصیده‌ای می‌سراید تا از یادگار بماند و موجب آموزش روشش باشد.



«رستاخیز شهرباران ایران»، منظومه «کفن سیاه» و سایر نمایشنامه‌های عشقی را بررسی می‌کند. «رستاخیز» نخستین نمایشنامه منظوم و آهنگین ادبیات معاصر ایران است. این اپرا مرثیه‌ای است بر شکوه از دست رفته ایران باستان که از جانی آسیمه و شوری هرز ریزان‌داز تراویده‌است. نگارنده در این فصل کوشیده‌است جنبه‌های موسیقایی و ادبی این اثر را در کنار درون‌مایه روشنگرانه آن نقد و ارزیابی کند. فصل پنجم ردپایی دیگر از حضور عشقی در عرصه سیاست را دنبال می‌کند. کودتای ۱۲۹۹ش، مرزهای شاعر از سیدضیاءالدین طباطبایی ـ منظومه‌ای که عشقی در دفاع از او که «سه‌به پرو تو بزدان» می‌خواندش سرود و پس از کناره‌گیری وی از صحنه سیاسی کشور به چاپ رساند، محور بحث این فصل است. در فصل ششم آقای عشقی پیامبر زمان شد و از ویرانه‌های سرزمین خود به اقصی نقاط جهان فریاد سر داد که برای حفظ سلاطت خود پنج روز از سال خون‌آبش را بریزد، این همان بیانیه زهر آگینی است که میرزاده شاعر را به قانون پرستی حاکم سستیز مبدل می‌سازد. بررسی بنیان‌های تاریخی این اندیشه و تجلی‌های افراطی آن نزد نخستین روشنفکران ایرانی موضوع بحث این فصل بود است. میرزاده عشقی در فصل هفتم، یک بار دیگر با سلاح قلم به جنگ قوایم‌السلطنه و مجلس چهارم شورا می‌رود. همچو به‌سورف او علیه مصوبات این مجلس و خطابه‌های تندش به قوام‌السلطنه شعله‌های دیگری از توره آرام‌روح آویزند. چندین مقاله پیاپی با عنوان مشترک «القیاب فساد اخلاق» در نشر به قرن بیستم و یکم مستزاد بی‌پروا به نام مجلس چهارم، چنان که افتد و دانی افضل نهم پایان عشقی است. مبارزات قلمی او علیه جمهوری رضاخا در روزنامه قرن بیستم، دست‌مایه بحثی از جمهوری خواهی در ایران و سر نوشت آن بوده که با اشاراتی به روزنامه‌نگاری عشقی و رسالت مطبوعات در روزگار وی همراه شده‌است. وریکر د کتاب به شعر و اندیشه عشقی رویکردی تحلیلی و تطبیقی است. اشاراتی که در طول متن به مندرجات روزنامه قرن بیستم شده‌اند تا مدتی به برگردان موشکافانه محمد قائد در کتاب «عشقی، سیمای نجیب یک آثار شمیم» منوذه‌های چاپ شده در کتاب «گزیده اسناد نمایش در ایران» اثر مسعود کوهستانی‌نژاد و «کلیات مصور میرزاده عشقی» چاپ ۱۳۵۷ گردآوری علی‌اکبر مشیرسلیمی بوده‌است. به باور نگارگر وی همواره یک آثار شمیم، نمونه‌های و اسنادی از زندگانی عشقی آشنایی با فرزندان مرحومه صفیه عشقی یکی از خواهران وی را در همدان به دنبال داشت. لطف و نواخت این خانواده در هیخته و سخاوت آنها در ارائه منابع اصیل و معتبر قبل سنایش بود.



■ ۱۳۴۲ در حاشیه داد‌گاه نظامی اعضای نهضت آزادی

نهضت آزادی و ساواک، فراز و فرودِ یک گروه

جریان ناپایدار!

♦ علی احمدی فراهانی

نهضت آزادی ایران در اوایل دهه ۱۳۴۰ به ابتکار مهندس بازرگان شکل گرفت. نهضت آزادی نیز همچون دیگر گروه‌های ملی از آغاز تأسیس تا پیروزی انقلاب اسلامی ایران تحت نظارت و کنترل ساواک قرار گرفت و جز یکی دو سال اول تأسیس فشارها و اقدامات ساواک اجازه فعالیت چشمگیری به آن نداد. با شروع فعالیت مجدد جبهه ملی تحت عنوان جبهه ملی دوم دکتر محمد خنجی که پس از انتعاب از جامعه سوسیالیست‌های نهضت ملی ایران حزب سوسیالیست‌ها را به وجود آورده بود و آن را رهبری می‌کرد، راهی برای سازماندهی تمام عناصر فعال ملی در قالب یک شکل منسجم ترام کرد. پیشنهادهای وی بدین قرار است:

۱- تمام عناصر جبهه ملی‌اعم از حزبی‌ها و منفردین در داخل حوزه‌ها به موجب اساسنامه متشکل شوند.

۲- کلیه احزاب و جمعیت‌های سیاسی موجود در داخل جبهه ملی بدون قید و شرط منحل شوند.

۳- تمام افراد به‌صورت منفرد در تشکیلات جبهه ملی انجام گیرد و از تشکیل دسته‌های جدید جلوگیری به عمل آید.^(۱)

به دنبال این پیشنهاد، خنجی حزب سوسیالیست‌ها را منحل کرد. مهندس مهدی بازرگان و عده‌ای از همفکران او در واکنش به این تصمیم نهضت آزادی ایران را تشکیل دادند. پیش از تشکیل نهضت آزادی ایران، مهندس بازرگان و همفکرانش به نمایندگی از نهضت مقاومت ملی در جبهه ملی دوم شرکت کردند.

■ **تفاوت‌های مؤسسن**

آیت‌الله سید محمود سیدطالقانی، دکتر دیالله سبحانه و مهندس عطایی از بنیانگذاران اصلی نهضت بودند.^(۲) نهضت آزادی ایران از آزادی‌های نسبی سیاسی آن دوران استفاده کرد و با تأکید بر مسلمان و ایرانی بودن و تبعیت از قانون اساسی و پیروی از مصدق^(۳) به سازماندهی مبارزات خود علیه حکومت دیکتاتوری پرداخت. ایدئولوژی نهضت آزادی ایران حفظ اصالت نهضت ملی و همبسته کردن آن با جنبش نوین اسلامی بود. با این همه نمی‌توان از تفاوت‌های فکری و عملی پایه‌گذاران نهضت با یکدیگر غفلت کرد. این مسئله به طور مشخص درمقایسه آیت‌الله طالقانی با دیگر مؤسسن عیان می‌شود. روایت مرحوم طالقانی از چند و چون عضویت خویش در نهضت ایگونه است: «وقتی که جمعیتی به نام نهضت آزادی تشکیل شد، ما سابقه طولانی که به ایمان و خلوص نیت و استقلال فکری و اصالت خانوادگی مؤسسن آن داشتم و با مشورت با بعضی از علما و روحانیانی که در این امور صاحب‌نظرند و تشخیص تکلیف دینی و استعانت و استخاره از قرآن کریم، عضویت آن را در هیئت مؤسسن اولیه پذیرفتم. با توجه به گرفتاری‌های دیگر و انجام وظایف روحانیت، قبول این مسئولیت برایم دشوار بود و کسی که با روحیه من آشنا باشد، نمی‌تواند تصور کند که با شرکت در این جمعیت، اندیشه حکومت یسا‌وزارت یا وکالت یا اندوختن ثروت یا وکیل و وزیر تراشی به سر داشته‌ام، چون همه اینها در مقابل ایدئولوژی روحانیت و مقامی

عاریخ

گفت‌وگو، ۸۸۴۹۸۴۳۸



از آنجا که نهضت آزادی با اصل سلطنت مخالفتی نداشت و تلاش آن بیشتر برای به دست آوردن آزادی‌های سیاسی بود، ساواک مانعی در راه فعالیت‌های آن ایجاد نکرد. با شروع مبارزات امام خمینی (ره) نهضت آزادی نیز مواضع امام را تأیید کرد و مبارزه علیه رژیم پهلوی سرعت بیشتری یافت. با طرح انقلاب سفید شاه، نهضت در اوایل بهمن ۱۳۴۱ در اعلامیه‌ای تحت عنوان «ایران در آستانه یک انقلاب بزرگ**» با اشاره به جو اختناق، ار عاب و تهدید اقدام شاه غیر مسئول را در برگزاری همه‌پرسی خلاف قانون اساسی و بر خلاف تمایل ملت دانست.^(۴) ساواک ورژیم پهلوی نخست کوشیدند با ایجاد اختلاف و دسته‌بندی شایعه‌سازی علیه نهضت و رهبران آن مبارزات آنها را متوقف یا جهت آن منحرف کنند، ولی با اوج‌گیری مبارزات صریح و آشکار نهضت آزادی و مخالفت با فراندوم شاه ساواک روز ۳ بهمن ۱۳۴۱ آیت‌الله طالقانی و مهندس بازرگان و روز بعد دکتر دیالله سجایی را دستگیر و زندانی کرد و چندی بعد عده‌ای دیگر از اعضای نهضت آزادی و هواداران آن در تهران و شهرستان‌ها بازداشت و زندانی شدند.**

■ **تفاوت رفتار ساواک با آیت‌الله طالقانی**

ساواک برای سنگین کردن اتهام نهضت آزادی ایران به‌ویژه شخص آیت‌الله طالقانی تر فندی به کار برد، به این ترتیب که آیت‌الله طالقانی را از زندان آزاد کرد و با فریب دادن پرویز عدالت‌منش، خواهرزاده آیت‌الله طالقانی دو تن از مأموران سازمان امنیت علیرضا دستغیب و احمدی مقادیری در انبار خانه آیت‌الله طالقانی دنیامیت مخفی کردند. همچنین عدالت‌منش را وارد کردند متن اعلامیه خطاب به افسران و سربازان را منظور چاپ و انتشار از آیت‌الله طالقانی بگیرد و در اختیار آنها بگذارد. حمل و جای دادن دنیامیت‌ها در منزل آیت‌الله طالقانی با موفقیت انجام شد، ولی چون آیت‌الله طالقانی پس از آزادی از زندان برای احتراز از دید و بازدیدهای عمومی به خانه یکی از دوستانش رفت، در عمل نقشه ساواک خنثی شد. کشف دنیامیت‌ها در منزل آیت‌الله طالقانی بدون حضور ایشام محکمه‌پسند نبود و لذا مأموران ساواک مجبور شدند دنیامیت‌ها را از منزل خارج کنند.البته از این رویداد روایات دیگری نیز وجود دارد که یکی از آنها متعلق به سید حسین طالقانی فرزند آیت‌الله است: «… توطئه‌ای کرده بودند و با برادر می‌توالی خود هم در این توطئه درگیر کردند. ما پسرعمای داشتیم به اسم پرویز عدالت‌منش. او را به شکلی در این ماجرا به کار گرفته بودند که بتوانند در خانه آقا مقداری مواد منفجره بگذارند! فاصله سنی هم و ابوالحسن کم بود و اکثراً با هم بودیم. طالقسان هم غالباً با هم می‌رفتیم. یک روز مرا صدا زد و برد خانه شمیران، اتاق زیرسروانی وزیر تخت را نشانم داد و دیدیم آنجا کلی دنیامیت‌اند! با حالت باخوابی گفت این چیست؟ ابوالحسن مثلاً می‌خواست به من بگوید که خودش هم چند اهل مبارزه‌است! پرویز با راهنمایی دستغیب نامی، دنیامیت‌ها را آورده بود و ابوالحسن دستغیب هم چند اهل مبارزه‌است! پرویز با راهنمایی خودش هم چند اهل مبارزه‌است! آنجا جاسازی کرده دستغیب نامی، دنیامیت‌ها را آورده بود و ابوالحسن فرآن نداشت. شهرریور و مهر بود که حنیف‌نژاد و چند نفر دیگر را آزاد کردند. آیت‌الله طالقانی تا این در زندان شماره ۲ بود. داد‌گاه نظامی ما در ۳۰ مهر شروع شد و دوم، سوم آبان بود که ایشان را همراه با مهندس بازرگان و دکتر سجایی از قزل قلعه به زندان شماره ۴ آوردند. در آن موقع حنیف‌نژاد در زندان نبود. در این موقع بود که من تقریرات آقای طالقانی را می‌نوشتم که بعد شد «پروتوی از قرآن». حنیف‌نژاد در داد‌گاه هم می‌آمد تا اینکه در آذرماه ۴۲ که بدیع‌زادگان و سعید محسن و

تغییراتی داده بود توسط عدالت‌منش به دست آوردند و آن را چاپ و منتشر کنند.^(۵) با گسترش فعالیت اعضای باقیمانده در واقعه ۱۵ خرداد مجدداً آیت‌الله طالقانی و عده‌ای از اعضای جبهه ملی دوم دستگیر و روانه زندان شدند. عده‌ای نیز موفق شدند به خارج از کشور بروند. اعضای باقیمانده نهضت آزادی ایران به فعالیت مخفیانه خود ادامه دادند. اسناد ساواک حاکی از آن است که در این مدت ساواک توانسته بود آنها را زیر نظر بگیرد و فعالیتشان را کنترل کند. در یکی از اسناد ساواک در این زمینه آمده‌است: «ساواک با دقت اعضای نهضت آزادی را زیر نظر داشته و سعی کرده‌است در موقع مقتضی نسبت به برچیدن این شبکه اقدام کند (۸)».

■ **فلج شدن تشکیلات**

در آستانه برگزاری جشن‌های شاهنشاهی ساواک از انجام فعالیت‌های این گروه هراس داشت. دستگیری اعضای باقیمانده و کسانی که پس از تمام شدن مدت محکومیت خود آزاد شده دوباره به فعالیت رو آورده بودند، نهضت را فلج کرد. در یکی از اسناد در اینباره آمده‌است: «ساواک برای جلوگیری از فعالیت این نهضت در جشن‌های شاهنشاهی تصمیم گرفت به فعالیت این نهضت خاتمه بدهد، لذا با طرح پیش‌بینی شده قبلی در تاریخ اول شهر یورماه ۱۳۵۰ که جلسات عمومی هفتگی حوزه‌های نهضت در دوازده نقطه تهران در خانه‌های امنی که برای این منظور تهیه و تشکیل شده بود، مبادرت به بازداشت عده‌ای از اعضا کرد و در طی روز حدود ۶۰ نفر از آنها در منازل دستگیر شدند و در جاسازی‌هایی که در خانه‌های مذکور شده بود، مقادیری اسلحه، مهمات، مواد منفجره و محترقه و مدارک مرتبط با عراق و لبنان کشف و ضبط شد، ولی حدود پانزده نفر از آنها متواری یا بعداً شناخته شدند که تلاش برای دستگیری آنها ادامه پیدا کرد. تعدادی از اعضای دیگر نیز دستگیر و بازداشت شدند.

دادگاه

ساواک برای سنگین کردن اتهام نهضت آزادی ایران به‌ویژه شخص آیت‌الله طالقانی تر فندی به کار برد، به این ترتیب که آیت‌الله طالقانی را از زندان آزاد کرد و با فریب دادن پرویز عدالت‌منش، خواهرزاده آیت‌الله طالقانی دو تن از مأموران سازمان امنیت –علیرضا دستغیب و احمدی مقادیری – در انبار خانه آیت‌الله طالقانی دنیامیت مخفی کردند!



■ ۱۳۴۲. مهندس بازرگان در حال انجام دفاعیات خویش در داد‌گاه نظامی

متحمل شد و بیش از سیصد نفر از بنیانگذاران و رهبران و اعضای فعال آن در جوخه‌های اعدام و شکنجه‌گاه‌های ساواک و نیز درگیری‌های مسلحانه با رژیم پهلوی کشته شدند. این سازمان در طول حیات خود تا به امروز فراز و نشیب‌های زیادی را پشت سر گذاشته‌است؛ از جمله اینکه از آغاز تا زمان تغییر ایدئولوژی (سال‌های ۱۳۵۴ – ۱۳۵۳)، تقریباً مورد تأیید و حمایت اکثر شخصیت‌ها و احزاب سیاسی انقلابی بود، اما با تغییر ایدئولوژی و گرایش به مارکسیسم، رفته رفته حامیان انقلابی خود را از دست داد. با پیروزی انقلاب اسلامی بر انحراف آنها افزوده شد و کم‌کم با پیوستن به صف دشمنان انقلاب ایران، به مخالفان واقعی نظام اسلامی تبدیل شدند. علاوه بر سازمان مذکور گروه‌های دیگری با مرام‌های ملی، مذهبی و کمونیستی به فعالیت‌های مسلحانه روی آوردند. تلاش این گروه‌ها سنگون و خونی را که در اثر اختناق، رعب و وحشت ساواک در دل مردم به وجود آمده بود، به هم زد و امید تازه‌ای را در سطح جامعه به وجود آورد.

■ **پی نوشت:**

- (۱) محمدعلی سفری، قلم و سیاست (۲)، صص ۴۹۵-۴۹۶
- (۲) برای آگاهی بیشتر از چگونگی تأسیس نهضت آزادی ایران رک: جریان تأسیس نهضت آزادی ایران، انتشارات نهضت آزادی خارج از کشور، ۱۳۵۴، یادنامه بیستمین سالگرد نهضت آزادی ایران، تهران، انتشارات نهضت آزادی ایران، ۱۳۶۲
- (۳) برنامه‌نامه نهضت آزادی ایران
- (۴) کتاب ماه فرهنگي تاريخي يادآور، يادمان آيت‌الله طالقانی، ص ۴۰۵
- (۵) تاريخ بيست و پنج ساله ايران، ص ۳۱۵
- (۶) کتاب ماه فرهنگي تاريخي يادآور، يادمان آيت‌الله طالقانی، ص ۳۰
- (۷) خاطرات بازرگان، صص ۴۱۳-۴۱۴
- (۸) رشپور مرکز اسناد انقلاب اسلامی، بولتن ویژه ساواک، انجام محاسبه مطبوعاتی، رادیو تلویزیونی، ۵/۱۰/۲۲ صص ۱۸-۲۰
- (۹) همان
- (۱۰) کتاب ماه فرهنگي تاريخي يادآور، يادمان آيت‌الله طالقانی، صص ۲۲۳ و ۲۲۴
- (۱۱) همان، ص ۲۳۵

روزنامه جوان | شماره ۴۱۳۱